

نگرش‌شناسی تاریخ‌نگاری انقلاب اسلام*

باور ما آن است که پدیده‌های تاریخی و سیاسی از منظر هر نویسنده با عقاید ویژه او تجزیه و تحلیل می‌شود و یکسان دیدن منظرهای نویسندگان خیلی مطابق با واقع نیست. این درست که بزرگان تاریخ‌نگاری و اساتید علم تاریخ تأکید می‌کنند که مورخ باید بی‌طرف باشد و آن یک ضرورت در امر تاریخ‌نگاری است، اما همیشه هم طرفیت بر آن معنا نیست که بیان خلاف واقعی صورت گیرد.

• یعقوب توکلی

بحث ما در بررسی مقوله نگرش‌شناسی تاریخی به این فرضیه برمی‌گردد که هیچ مورخ و یا گوینده‌ای در بیان حوادث تاریخی بی‌طرف نیست. در اینکه مورخ باید بی‌طرف باشد به لحاظ ایده‌آلی، حرف درستی است، ولی به لحاظ علمی غالباً مورخان دارای موضع هستند و بی‌طرفی مورخ، کمتر پذیرفتنی است. بنابراین لازم است به واسطه بازکاوی و بازشناسی، گرایش‌های نویسندگان تاریخ معاصر مشخص گردد.

با استقراء در نگرش‌های مختلف تاریخ‌نگاری، حدود یازده نوع نگرش عمومی تاریخ‌نویسی در ایران را شناسایی کرده‌ایم که آن نگرش‌ها براساس وجوه مشترکی که دارند طبقه‌بندی شده‌اند و البته در بیان زیر مجموعه‌های این نگرش‌ها کم و بیش اختلافاتی بین آن‌ها وجود دارد که اگر این نگرش‌ها را بشناسیم به مقدار زیادی به زوایای اختلاف نظر و تفاوت دیدگاه‌هایی که در اجتماع و صف‌بندی‌های سیاسی و تاریخی وجود دارد پی می‌بریم. ما ابتدا به طور بسیار خلاصه این گروه‌ها را نام برده و مختصر توضیح می‌دهیم و سپس به شرح تفصیلی آن‌ها خواهیم پرداخت ضمن آنکه معتقدیم برای هر کدام از این نگرش‌ها توضیح مسبوطی در حد یک کتاب ضرورت دارد.

الف. موافقان پهلوی

۱. تاریخ‌نگاری پهلوی‌ها

اولین گروهی که بعد از انقلاب اسلامی به نگارش تاریخ معاصر روی آوردند، سران حاکمیت پهلوی‌ها بودند که به طور جدی تاریخ نگاشته‌های آن‌ها اعم از خاطرات، پژوهش و اسنادی که از آن‌ها به جای مانده، خود به خود تبدیل به یک جریان تاریخی قابل توجه شده است.

۲. تاریخ‌نگاری آمریکایی‌ها

دومین مجموعه‌ای که در این بین قابل توجه است، خاطره‌نگاری و اسناد بر جای مانده سران دولت‌های آمریکا، انگلیس، فرانسه و دیپلماسی آن دولت‌ها در

پدیده‌های تاریخی و سیاسی از منظر هر نویسنده با عقاید ویژه او تجزیه و تحلیل می‌شود و یکسان دیدن منظرهای نویسندگان خیلی مطابق با واقع نیست

انقلاب اسلام

۲. چپ‌گرایان

گروهی که براساس نگرش مارکسیستی در حوزه اندیشه و سیاست به گزارش تاریخی و تحلیل آن روی آورده‌اند.

۳. ملی‌گرایان

گروهی که با توجه به تفکر اصالت ناسیونالیسم بر اسلام و محوریت دکتر مصدق و مهندس بازرگان تاریخ دوره معاصر را گزارش و تحلیل کرده‌اند.

ج. تاریخ‌نگاری دانشگاهی

۱. تاریخ‌نگاری دانشگاهی داخل ایران

تاریخ‌نگاری دانشگاهی داخل ایران، با توجه به ادعای بی‌طرفی، نوعی بی‌توجهی را نسبت به تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی اعمال کرده است که به ویژگی‌ها و مشخصه‌های آن اشاره خواهد شد.

۲. تاریخ‌نگاری دانشگاهی خارج ایران

یک نوع نگرش تاریخ‌نگاری دانشگاهی خارج از ایران است که آنان با توجه به متدهای دانشگاهی و روش‌های علمی کشور خودشان عمل می‌کنند. آنان سبک خاصی در تاریخ معاصر دارند که در این میان می‌توان به کتاب شیر و عقاب، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران و یا کتاب ایران انقلاب به نام خدا و کتاب ایران سراب قدرت اشاره کرد.

د. تاریخ‌نگاری نویسندگان حامی انقلاب اسلامی در خارج

طیف دیگری که باید مورد توجه قرار گیرند، نویسندگان مسلمان موافق انقلاب اسلامی در خارج از ایران هستند. که در این بین از نویسندگانی مثل: کلیم صدیقی، راشد الغنوشی، مرحوم شهید فتحی شقاقی و علی عزت بگوویج می‌توان نام برد.

هـ. تاریخ‌نگاری روشنفکری

در کنار این جریان‌ها، طیف جدید تاریخ‌نگاری که طی سال‌های اخیر شکل گرفته است جالب توجه و قابل بررسی و باید در یک سبک تاریخ‌نگاری قرار بگیرند و آن طیف تاریخ‌نگاری روشنفکری است که به لحاظ خاستگاه اجتماعی، این طیف به اسلام‌گراها تعلق دارند و از لحاظ شیوه و روش تاریخ‌نگاری به تجاری‌نویس‌ها شباهت دارند و به لحاظ منظر و نگرش تاریخ‌نگاری شبیه به ملی‌گراها هستند. که یک سبک به خصوص است و باید به طور جداگانه مورد بررسی قرار بگیرند.

ایران است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از آنکه دولت کارتر نتوانست مجدداً در ایالات متحده به قدرت برسد و با شکست در انتخابات کنار رفت؛ علل این شکست برای مردم ایالات متحده جای تأمل داشت. از علل اصلی ناکامی و شکست در انتخابات ریاست جمهوری شکست در سیاست‌های آمریکا در ایران بود. بنابراین به طور مفصل به موضوع ایران در خاطرات سران دولت آمریکا پرداخته شد. به طور مثال کتاب خاطرات کارتر، خاطرات برژینسکی، مأموریت مخفی در تهران رابرت هایزر، مأموریت در ایران ویلیام سولیوان و همچنین اسناد سفارت آمریکا هم در این مجموعه قرار می‌گیرد.

۳. خادمان جدا شده

سومین گروهی که در مجموعه تاریخ‌نگاری بعد از انقلاب مورد توجه است، جداشدگان از پهلوی‌ها هستند. جداشدگان از پهلوی‌ها، شخصیت‌های سیاسی و نظامی بودند که به نوعی با پهلوی‌ها دچار چالش شده و یا از آن‌ها فاصله گرفته‌اند. حال چه در روزهای انقلاب و چه در سال‌های بعد از انقلاب، به نوشتن مطلب و بیان خاطراتشان پرداختند. مانند: خاطرات فردوست، احمد علی مسعود انصاری که این‌ها هم یک نوع نگاه خاص در جریان تاریخ‌نگاری معاصر است.

۴. تجاری‌نویسان

در کنار جداشدگان از پهلوی‌ها، طیفی از نویسندگان دوران پهلوی در داخل ایران داریم که به نوعی جزء مسئولان فرهنگی دوران پهلوی بودند که خیلی هم علاقه هم‌هنگ با انقلاب اسلامی نداشتند و حتی دارای نقاط اختلاف هم هستند. آنان بعد از انقلاب خصوصاً از دهه هفتاد به بعد شروع به انتشار آثار خود در حوزه تاریخ معاصر نمودند که این سبک نگارش بیشتر به حالت داستانی و بعضاً با هدف تلطیف پهلوی‌ها است. آقای مسعود بهنود در رأس تجاری‌نویسان قرار دارد. این جریان مجموعه قابل توجهی است که باید به آن پرداخته شود، چرا که یکی از غالب‌ترین مجموعه‌های تاریخی در ایران به لحاظ گستره انتشار و توجه خوانندگان است.

ب. مخالفان پهلوی

پس از چهار گروه فوق، ۳ گروه جزء مخالفان رژیم پهلوی به شمار می‌آیند که عبارتند از:

۱. اسلام‌گرایان

گروهی که با اعتقاد به رهبری حضرت امام خمینی و از منظر اسلام‌گرایانه به بیان قضایای تاریخی پرداختند.

امکان خرده‌گیری بر نوع تقسیم‌بندی

البته ممکن است نگرش‌های دیگری نیز وجود داشته باشد و یا احیاناً تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز قابل اعمال باشد؛ این تقسیم‌بندی براساس حداکثر مورد قبول همه طیف‌ها، که نسبت به مجموعه‌ای از واقعیت‌ها اذعان دارند، انجام گرفته است و البته ممکن است طیف تاریخ‌نگاران تجاری‌نویس خود را ناب‌ترین گروه تاریخ‌نگار معرفی نمایند. معذکام مجموعه آنچه در این تقسیم‌بندی صورت گرفته مورد اقبال جمع زیادی از محققان تاریخ قرار گرفته و این تقسیم‌بندی محصول مباحث فراوان در این حوزه است.

۱- تاریخ‌نگاری پهلوی‌ها

در خصوص تاریخ‌نگاری پهلوی‌ها، دو گونه طبقه‌بندی کلی داریم.

۱. نگارش‌های محرمانه؛

۲. نگارش‌های علنی.

نگارش‌های محرمانه در واقع توجه به دریافت‌ها و برداشت‌های واقعی کسانی است که در آن دوره دستی بر آتش داشتند. تاریخ‌نگاری محرمانه بیشتر در غالب یادداشت‌های روزانه و یا اسناد محرمانه سیاسی و امنیتی قابل توضیح است. از بین یادداشت‌هایی که از دوره پهلوی به جای مانده، خاطرات اردشیر چی و یادداشت‌های علم می‌باشد که بسیار ارزشمند و در خور توجه است. این یادداشت‌ها گویای بسیاری از حقایق مربوط به دوران حاکمیت پهلوی اول و دوم در ایران است. هم اردشیر چی و هم علم مهرها و اشخاصی هستند که میزان اعتبار و نفوذ ایشان را در دستگاه پهلوی، هیچ‌کس نداشته و فرمانروای مطلق ایران بوده‌اند و در خیلی از موارد عقایدشان را بر شاه تحمیل می‌کرده‌اند. یادداشت‌های علم به خوبی نشان می‌دهد که نخست وزیر در دست او جز یک مقام مسئول با حداقل اراده لازم چیزی دیگر نبوده و کاملاً تحت تأثیر اراده او بوده است. وی به راحتی می‌توانسته هر وقت اراده کند تصمیمات دولت را به نوعی نقض کند و یا این که در تعاملات منطقه‌ای، به عنوان فردی مقتدر که قابلیت نفوذ و اعمال تصمیم دارد، دخالت نموده و تصمیم‌های مهمی به نفع دیدگاه‌های خود و دولت انگلستان بگیرد.

تاریخ‌نگاری علنی پهلوی‌ها

تاریخ‌نگاری علنی پهلوی‌ها به سه دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از: ۱. باستان‌گرایانه؛ ۲. تمجیدی؛ ۳. توجیهی. آنچه بعد از انقلاب اتفاق افتاد این مدل اخیر است. آن دو مدل دیگر الان خیلی مورد اعتنا نیست.

۱. تاریخ‌نگاری باستانی

از زمان رضاخان شروع شد و تا سال ۱۳۵۷ ادامه داشت. از احیا مراکز منصوب

به پادشاهان باستانی ایران نظیر ساختن قبر کوروش و تاریخ‌هایی که نوشته شده، قصه شروع می‌شود تا می‌رسد به جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و نهایتاً تغییر تاریخ هجری شمسی به شاهنشاهی؛ یعنی علاوه بر اینکه حکومت این نگاه تاریخی را پیگیری می‌کرد، به نوعی تبدیل به یک قانون و جریان جاری در جامعه هم می‌شد.

۲. تاریخ‌نگاری تمجیدی

تاریخ‌نگاری تمجیدی بعد از کودتای ۲۸ مرداد شروع شد، وقتی که قدرت شاه در ایران تثبیت شد، عملاً هرچه که در ایران به لحاظ متن تاریخی منتشر شد، در تمجید و ستایش شاه بود که نقطه اوج این آثار را می‌توان در کتاب جلال و شکوه شهر پیانوی ایران نوشته رسول پرویزی یا آثار نویسندگان خارجی مثل کتاب عظمت باز یافته یا کتاب‌هایی مثل مأموریت برای وطنم و یا کتاب به سوی دروازه‌های تمدن بزرگ دید و کتاب‌هایی از این دست که در ایران جز عظمت، شکوه‌مندی، رشد و تعالی و پیشرفت چیز دیگری نمی‌بینید.

۳. تاریخ‌نگاری توجیهی

تاریخ‌نگاری توجیهی پهلوی‌ها که آغاز آن بعد از انقلاب است، به نکات زیر توجه دارد:

۱. وقوع انقلاب در ایران یک فاجعه بوده است. همه آثار پهلوی‌ها، بعد از انقلاب به طور مشترک وقوع انقلاب را یک فاجعه می‌دانند.

۲. موقعیت و نسبت شخصیت‌ها طوری است که هیچ نسبتی با وقوع فاجعه ندارند؛ یعنی به نوعی خودشان را توجیه می‌کنند و از آنچه باعث وقوع انقلاب شد فاصله می‌گیرند. قدر مشترک همه این آثار آن است که تلاش دارند برای وقوع انقلاب مقصری معرفی کنند.

۲- تاریخ‌نگاری سفرا و سیاستمداران دولت‌های غربی

اما طیف دومی که کارهایشان بایستی مورد توجه قرار بگیرد، کاری است که آمریکایی‌ها و نمایندگان سیاسی دولت‌های خارجی در ایران انجام دادند. ایالات متحده در ایران یک پایگاه مهم استراتژیک داشت. همسایه شوروی شده و بر نفت ایران مسلط بود، به واسطه حضور در شمال خلیج فارس و حضور دولت‌های تحت حمایت در جنوب عملاً بر کل منطقه خلیج فارس مسلط بود و نفت جهان از زیر نگین او باید عبور می‌کرد.

پس از انقلاب اسلامی، آمریکایی‌ها پایگاه بزرگی را از دست دادند. طبیعتاً باید به مردم خودشان می‌گفتند که چه چیزی سبب شد در ایران پایگاهی به این عظمت را از دست بدهند. ضمناً واقعیت این بود که تعامل انقلاب و کشمکش نیروهای انقلاب و رهبری با ایالات متحده بود، نه با شاه، شاه در واقع یک واسطه بود. این مسئله در آثار آمریکایی‌ها مانند خاطرات سولیوان، کارتر، برژینسکی، سرهنگ

با استقراء در نگرش‌های مختلف تاریخ‌نگاری، حدود یازده نوع نگرش عمومی تاریخ‌نویسی در ایران را شناسایی کرده‌ایم که براساس وجوه اشتراک طبقه‌بندی شده‌اند

انقلاب اسلام

یکی از مهم‌ترین طیف‌های تاریخ‌نگاری تجاری نویسی است. مورخانی که براساس واقعیت عرضه و تقاضای تجاری و اقتصادی کتاب می‌نویسند و نه به قصد نشر حقایق و یا روشن نمودن واقعیت‌های تاریخی

دیدگاه و نگرش اقتصادی به موضوع تاریخ‌نگاری حقایقی نیز گفته شود ولی اصالت با تجارت در نگارش و اقتصاد و بازار نشر و توزیع در دست خوانندگان و فروش بیشتر خواهد بود. ویژگی این آثار را می‌توان در مباحث زیر دانست:

۱- داستان‌نگاری تاریخی

طیف خاصی از نویسندگان را می‌توان شمرد که در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب هر کدام به نوعی در حکومت پهلوی مسئولیت و ارتباط داشته‌اند و در زمره مسئولان فرهنگی، سیاسی حکومت شاهنشاهی به شمار می‌آیند. این افراد نه آن قدر اهمیت داشتند که هدف آماج انقلاب قرار بگیرند و نه آن قدر هم بی‌اهمیت بودند که افرادی حاشیه‌نشین و غیرمطلع از درون سیستم باشند. نکته در خور توجه پیرامون این دسته از نویسندگان این است که غالب این نویسندگان، ساختار داستان تاریخی را انتخاب کرده‌اند. از جهت دیگر این آقایان سابقه کار در مطبوعات را نیز داشته‌اند و به نوعی در مطبوعات زمان پهلوی قلم می‌زده‌اند مانند آقایان: مسعود بهمنی، باقر عاقلی، خسرو معتضد، اسکندر دلد، ناصر نجمی و محمود طلوعی و داود علی بابایی. بنابراین تلفیقی از شیوه داستان تاریخی و ژورنالیسم مطبوعاتی در جذابیت کتاب و نوشته بسیار مؤثر بوده است.

عمده کاری که این دسته از آقایان در تاریخ‌نگاری شروع کردند انتخاب شیوه داستانی است و در این راستا بیشتر هم تحت تأثیر شیوه مرحوم ذبیح‌الله منصوری قرار گرفتند. اما هیچ کدام از این آثار را نمی‌توان در حیطه تاریخ یا داستان قرار داد. چرا که حد مشترکی را بین تاریخ و داستان انتخاب کرده و در این رویه براساس سبک و سیاق داستانی تاریخ نوشته است و عملاً هم طالب و مشتری فراوانی برای خواندن آثارش یافته است، چون به قلم بسیار ساده و روان نوشته شده و خواندن مطالب برای خوانندگان آسان است و از طرفی چون مستند نیست و نیاز به ارائه سند هم ندارد لذا دست نویسنده در خلق این گونه آثار باز است. کتاب‌های این سه زن مسعود بهنود، داستان انقلاب محمود طلوعی، مثل ثریا گریه خواهم کرد خسرو معتضد، هویدا سیاستمدار، پیپ، عصا، گل و ارکید، خاطرات من و فرح پهلوی، اسکندر دلد و یا دوقلوی میرپنج اسماعیل جمشیدی لاریجانی از این دست هستند.

۲- ماده‌گرایی تاریخی

دیگر خصیصه این قبیل کتاب‌ها توجه بیش از حد و فوق‌العاده به جنس مخالف می‌باشد و تشریح روابط جنسی حاکم در دربار و خانواده پهلوی و یا به مسائل خاص این افراد پرداخته شده است. کتاب‌هایی همانند: دوقلوی میرپنج، مثل ثریا گریه خواهم کرد، همسران شاه، روان‌شناسی همسران شاه، خاطرات من و فرح

چارلز بکویت و در کنار آن خاطرات رئیس جمهور فرانسه ژیسکارستن و آنتونی پارسونز کاملاً قابل ملاحظه است. بنابراین ضرورت دارد به منابع آمریکایی‌ها هم به طور جدی توجه کنیم؛ ضمن اینکه فقط به منابع منتشر شده سران آمریکا خیلی نمی‌توان اطمینان کرد. البته یک منبع بالارزش هم اسناد آمریکایی‌هاست که تاکنون منتشر نشده است. به نظر من گفتمان نیروهای مسلمان ما از توجه به نگاه آمریکایی‌ها تهی است و نمی‌دانیم آمریکایی‌ها راجع به ما چه فکر کردند و چه گفتند.

۳- تاریخ‌نگاری خادم‌ان جدا شده

اما طیف سوم که در این دوره دست به تاریخ‌نگاری زدند کسانی هستند که از پهلوی‌ها جدا شدند. عناصری که در خدمت نظام سیاسی پهلوی بودند و ضمن اینکه همکاری خود را ادامه دادند، در سال‌ها و ماه‌های آخر، از آن‌ها بری شدند، در بین این دسته، کسانی که خاطراتشان را نوشتند، ما را با ادبیات به خصوصی مواجه می‌کنند که نه به ادبیات انقلابیون شباهت دارد و نه به ادبیات پهلوی‌ها. نمونه عالی این دست از ادبیات خاطرات ارتشبد حسین فردوست، خاطرات ارتشبد عباس قره باغی، پس از سقوط خاطرات احمد علی مسعود انصاری و حتی نوع جلف‌تر خاطرات خانم پروین غفاری، یا حتی خاطرات ملکه ثریا هم می‌تواند در این زمره قرار بگیرد. آثار زیادی در این زمینه هست. مثلاً کتاب خون و نفت آقای فرمانفرمایان از این دست است یا پشت پرده تخت طاووس خانم مینو صمیمی، که این‌ها حقایق بسیاری را توضیح دادند. ولی جالب اینکه وقتی به خودشان می‌رسند، دچار خود فراموشی می‌شوند. البته واقعیت خاطرات این است. معمولاً آن‌هایی که خاطره‌نگاری می‌کنند چنین نقطه ضعفی دارند؛ مخصوصاً اگر بعد از گذشت زمان باشد.

نقطه مشترک همه این خاطرات این نکته اساسی است که همگی در نقد پهلوی‌ها توجه اساسی دارند و از همین منظر حقایق بسیاری را نیز بیان می‌کنند و البته بیان آن‌ها نه از منظر علاقمندی به پدیده‌ای است که به عنوان انقلاب واقعی شده است، بلکه با عنایت به واقعیتی که در شرایط فعلی با آن رو به رو هستند به همین خاطر این دسته از افراد به بازبانی نقش عناصر مختلف در دوره حاکمیت پهلوی پرداخته‌اند و از این منظر حقایق و وقایع بسیاری را توضیح داده‌اند که انتشار این آثار با واکنش بسیار منفی پهلوی‌ها مواجه شد و تأثیر گسترده‌ای بر ادبیات تاریخی معاصر داشته است.

۴- تاریخ‌نگاری تجاری

یکی از مهم‌ترین طیف‌های تاریخ‌نگاری تجاری نویسی است. مورخانی که براساس واقعیت عرضه و تقاضای تجاری و اقتصادی کتاب می‌نویسند و نه به قصد نشر حقایق و یا روشن نمودن واقعیت‌های تاریخی، هر چند ممکن است در

آثار مخالفان رژیم پهلوی، دارای مجموعه‌ای از ویژگی‌های مشترک است: ۱. اصل مخالفت با رژیم پهلوی؛ ۲. خود فراتر بینی و تلاش برای اثبات نقش برتر؛ ۳. تلاش برای اثبات پیشگامی در مبارزه؛ ۴. حماسه‌سازی از مبارزات صورت گرفته

انقلاب اسلام

پهلوی، دخترم فرح و خاطرات تاج الملوک از جمله کتاب‌هایی است که به ذکر و بیان نوع روابط زن‌سالارانه و در قالب‌های مختلف چون مسائل جنسی و روابط مرد و زن در این دوره اشاره دارند. چون زمانی چنین پنداشته می‌شد که به علت برخی محدودیت‌های مطبوعاتی و تصویری و ظواهر بیرونی، از زبان تاریخ می‌توان به بیان قضایای تاریخی پرداخت.

۳- کتاب‌سازی و بهره‌گیری از سیستم چسب و قیچی

نکته دیگری که در این دسته از کتاب‌ها مورد توجه است، استفاده قابل توجه از (چسب و قیچی) است. در واقع اگر یک کتاب را مطالعه کنید؛ از خواندن بسیاری از این کتابها مستغنی می‌شوید. چون در می‌یابید تفاوت این گونه کتابها در اسم و ظاهر کتاب است و تنها با پس و پیش کردن عنوان‌ها، کتاب جدیدی شکل گرفته است به عنوان نمونه: کتاب «درون ارتش شاه» نوشته خسرو معتضد، مجموعه‌ای از خاطرات جمعی از افسران عضو سازمان نظامی حزب توده نظیر ستوان نظری) گماشتگی بدفرجام و قیام افسران از احمد شفايي و ابوالحسن تفرشيان است که خود آقای معتضد گردآوری کرده است، منتهی با دقت نظر معلوم می‌شود خاطرات اول کتاب مربوط به شخص دیگری است. با مطالعه کتاب مذکور در می‌یابیم که ادبیات این کتاب در فصل‌های مختلف با هم فرق دارد. قلم و زبان متفاوت است. از این دست شباهت‌های در کتاب دخترم فرح نیز وجود دارد.

۴- تصویرپردازی زنانه

علوه بر نکته ماده‌گرایی که در این کتاب‌ها مورد توجه است؛ بحث تصویرپردازی نیز حائز اهمیت است. تعداد قابل توجهی از عکس در این کتاب‌ها برای جذابیت مورد استفاده قرار گرفته است. البته ممکن است این گونه به نظر برسد بحث تصویرپردازی طبق اصول و قواعد هیچ مشکلی نداشته باشد، ولی استفاده از عکس در این کتاب‌ها برای جلب مشتری است. به طور مثال در کتاب دخترم فرح، عکس‌های خصوصی شاه، ثریا، فوزیه، فرح و میهمانی‌ها و انواع و اقسام تصاویر را چاپ کرده‌اند. نمونه دیگر عکس‌های حرم‌سرای ناصرالدین شاه است، که در این کتاب تصاویری از خانم‌های ناصرالدین شاه در آن زمان داخل خانه که با دامن و روسری بوده‌اند گرفته و چاپ شده است. وجود عکس‌های این چنینی در این قبیل کتاب‌ها به خاطر جلب مشتری و فروش بالای کتاب‌هاست.

۵. تلطیف پهلوی‌ها

اگر ویژگی‌های فوق‌الذکر بیشتر معطوف به فرم و ظاهر کتاب بوده است؛ ویژگی حاضر به محتوا و پیام کتاب‌ها برمی‌گردد. نکته قابل توجه در این کتاب‌ها این

است که نویسندگان این آثار همگی به تلطیف رژیم پهلوی و سیاست‌های آن پرداخته‌اند. مثلاً مسعود بهنود در کتاب از سید ضیاء تا بختیار، یکی از موضوعاتی را که به طور جدی به آن پرداخته، این است که چرا امام را در ۱۵ خرداد اعدام نکردند. شاید برای اولین بار این سؤال را ایجاد کرد که چرا محمدرضا شاه، رهبر مخالفانش را اعدام نکرده و در این امر کوتاهی کرده است؛ اما بقیه مخالفان را اعدام نمود. ایشان طوری وانمود کرده‌اند که گویی وجود سیاستمدارهای عاقلی چون علی دشتی، سید حسن تقی زاده، سید ضیاء‌الدین طباطبایی و دیگران اجازه ندادند مہار شاه و حکومت به دست افرادی چون اسدالله علم بیفتد تا امام خمینی را اعدام کند. درواقع می‌خواهند با این بحث امام را مدیون این گونه افراد نشان بدهند، که این افراد مانع از این کار شدند و زمینه نجات امام را از اعدام فراهم کردند.

در خصوص تلطیف پهلوی‌ها باید گفت نویسندگان به طور جدی سعی دارند نقاط برجسته و بعضاً به ظاهر بلاغیب شخصیت‌ها و تصمیم‌های پهلوی‌ها را بیشتر مطرح کنند و وقوع جرایم سنگین غیر انسانی و ظلم و ستم بر مردم و وابستگی عصر پهلوی را از صفحه تاریخ به نوعی حذف نمایند.

۶. تلاش برای اصیل‌نمایی اشرافیت سیاسی و اقتصادی پهلوی‌ها

مسئله قابل توجه دیگر این است که نویسندگان این گونه مطالب می‌خواهند شخصیت‌های مورد نظر خود را از خاندان اصیل و دارای نجابت خانوادگی و وجهت دینی معرفی بکنند.

تردیدمی وجود ندارد که تاریخ ایران گرفتار بیماری اشرافیت زدگی است و این بیماری در میان تجاری‌نویسان شدیداً گسترش دارد. ادعای نادرست اختصاص اصالت خانوادگی برای اشراف زمین‌دار که مفهوم مخالف آن، فقدان اصالت خانوادگی برای خانواده‌های غیر مشهور و غیر اشرافی است، برای صاحب این قلم نه تنها مفهوم نیست، بلکه با توجه به پابندی‌های اخلاقی و تقیداتی که در میان خانواده‌های عادی و مردم مسلمان وجود دارد، می‌بایست اصالت خانوادگی را بیشتر در میان اینان جست، نه در میان خانواده‌های اشرافی که هیچ پابندی به اصول اخلاقی و وفاداری‌های خانوادگی ندارند. به همین خاطر صاحب این قلم بر این باور است که مبارزه با اشرافیت نه فقط در میدان عمل و نظر ضروری است بلکه بخش وسیعی از اشرافیت‌گرایی و اشرافیت زدگی در حوزه تاریخ‌نگاری جامعه ایران به شکل یک بیماری جدی و اساسی وجود داشته که باید به آن توجه کافی مبذول داشت. در همین راستا نویسندگان تجاری‌نویس وقتی به افرادی از خانواده‌هایی چون قوام السلطنه، قوام الملک شیرازی، علم، امینی، دبیه، مسعود انصاری و... که می‌رسند خیلی بر اصالت خانوادگی آن‌ها تأکید می‌کنند. به عنوان

نمونه باقر عاقلی در بیان این گونه تعریف و تمجیدها نسبت به احمد قوام السلطنه، شریف امامی و علی امینی بسیار توجه دارد.

۷. مقصریابی و وقوع انقلاب

ویژگی دیگر این قبیل کتاب‌ها این است که نویسندگان برای علل وقوع انقلاب، به نوعی دنبال یک مقصر اصلی می‌گردند، که این مقصر قطعاً خود شاه و رژیم پهلوی نبوده است. کاملاً نوعی هماهنگی تاریخی و هماهنگی در ادبیات در اکثر این دسته از آثار وجود دارد و قصور در این زمینه بیشتر متوجه به مواردی نظیر شخصیت‌های پیرامونی، مثل ساواک و چهره‌های سوء استفاده‌چی و یا افرادی که به نوعی خدمات خود را به طور کامل به رژیم پهلوی ارائه نکردند می‌شود. همین کم کاری در خدمت باعث بروز این مشکلات شد. مثلاً در کتاب دخترم فرح که یکی از مجموعه‌های این چنینی است، چیزی در حدود ۱۵ نفر و جریان را به عنوان مقصر در سقوط رژیم و بروز انقلاب نام می‌برد. در این کتاب از کوتاهی فردوست، قره باغی و همکاری آنان با عوامل انقلاب یاد می‌شود و آنان مقصر شناخته می‌شوند. همچنین گرانی نفت و مسائلی چون دخالت شرکت‌های چند ملیتی نفتی از دیگر موارد به راه انداختن انقلاب شناخته می‌شوند. همچنین آمده چون دولت ایران پیشرفت گسترده‌ای کرده بود و این رشد و گسترش بیش از حد در منطقه، موجب شد دشمنان علیه مردم ایران بسیج شوند و موج اعتراضات را به راه انداختند تا انقلاب شکل بگیرد و حکومت پهلوی ساقط شود.

۸. تصویرپردازی بازاری

یکی از ویژگی‌های مشترک بین تجاری‌نویسان استفاده از تصاویر متعدد و حتی مکرر است. آشنایی این نویسندگان با ادبیات و ذهنیت مشتریان این حسن را برای آنان داشته است که متوجه این واقعیت باشند که تصویر و عکس‌های تاریخی به خوبی در فروش کتاب مؤثر است و از این طریق بهتر می‌توان کتاب را به فروش رساند و چنانچه در این تصاویر حتی الامکان از تصاویر زنان زیبا بهره گرفته شود، ناشر شانس بیشتری برای فروش کتاب خواهد داشت.

۹. فقدان استناد و مأخذ

ویژگی مشترک دیگری که در این دسته از کتب وجود دارد، عدم استناد این کتاب‌هاست. حتی به بخش‌هایی که عیناً از کتب دیگر گرفته و استفاده شده است اشاره‌ای نمی‌شود و منبع اصلی را ذکر نمی‌کنند. مثلاً در کتاب از سید ضیاء تا بختیار و این سه زن مسعود بهنود درون ارتش شاه و فوزیه آقای معتضد و یا داستان انقلاب و پدر و پسر آقای طلوعی در جاهای مختلف، مطالبی را می‌بینید که از کتب دیگر گرفته شده است هر چند که تفاوت آقای طلوعی با دیگر تجاری‌نویسان این است که حقیقتاً آقای طلوعی گزارش یا نکته‌ای را از کتب دیگر فقط نقل قول کرده‌اند اما بدان اشاره‌ای نمی‌کند، مانند: گزارشی که از زبان سالیوان و یا از زبان هایزر است، ولی هیچ موقع نمی‌گوید که این حرف‌ها، حرف‌های هایزر و سالیوان است.

۱۰. جعل نویسی و استناد غیر مستند

در مواردی شاهد جعل در تاریخ‌نگاری تجاری‌نویسان هستیم؛ هر چند ما نمی‌توانیم کسی را متهم نمائیم، اما توجه به ادبیات تجاری‌نویسی در کتاب‌های

تاریخی کشور را نمی‌توانستیم نادیده بگیریم و رضایت دهیم هر نوشته‌ای تبدیل به متن تاریخی شود و مورد استفاده قرار گیرد. کتاب دخترم فرح از جمله کتاب‌هایی است که به طور چشم‌گیری در ایران به فروش رفت و مورد اعتنا واقع شد و حداقل، حدود هشت بار تجدید چاپ شده است، اما به این موضوع کمتر توجه شده است که کتابی که در ایران آن قدر به فروش رفت، اساساً جعلی است. چرا که نویسنده این کتاب مشخص نیست و واضح است که خانم فریده دیبا مادر فرح این اطلاعات را نداشته است. ایشان مطالبی را در این کتاب عنوان کرد که مثلاً افرادی چون ارتشید فردوست و یا ارتشید طوفانیان به عنوان یک چهره امنیتی اطلاعاتی، بدان دسترسی داشته‌اند.

تاریخ‌نگاری مخالفان رژیم پهلوی

منظور از مخالفان رژیم پهلوی آنانی هستند که به عنوان نیروهای مخالف، با آن رژیم به مبارزه پرداختند و البته هر کدام از این مخالفان ممکن است دورنما و اهداف و ابزار خاص خود را در مسیر مبارزه با رژیم پهلوی به کار گرفته و یا آنکه به طور متفاوت مورد بغض و خصومت رژیم پهلوی قرار گرفته باشند ما این گروه‌های مخالف را در سه دسته عمومی که تمامی منابع و ادبیات سیاسی جامعه ایران آن را پذیرفته‌اند، تقسیم‌بندی می‌کنیم و باور داریم منابع تاریخی نوشته شده نیز در همین سه حیطه کلی قابل تقسیم‌بندی است. اما این تقسیم‌بندی به عنوان مرزهای بلا اشکال و ایرادناپذیر نیستند و به طور طبیعی نسبی و براساس مفروضات مشترک بین طیف‌های مختلف هستند، هر چند در داخل این صنف‌بندی‌ها گوناگونی‌هایی نیز قابل مشاهده است.

ویژگی‌های عمومی تاریخ‌نگاری مخالفان پهلوی

در خصوص بحث مخالفان رژیم پهلوی ۳ دسته آثار داریم که شناخته شده است. طبیعی است این مخالفان برای مخالفت، دلایل خود را داشته باشند آثار مخالفان رژیم پهلوی به سه دسته اسلام‌گرایان، چپ‌گرایان و ملی‌گرایان تقسیم می‌شوند. آثار نوشته شده توسط مخالفان رژیم پهلوی، دارای مجموعه‌ای از ویژگی‌های مشترک است که باید به این ویژگی‌های مشترک توجه کرد و بعد از آن به بررسی نقاط افتراق آن‌ها پرداخت.

۱. اصل مخالفت با رژیم پهلوی

اولین چیزی که در کتاب‌های این مجموعه از نویسندگان مورد توجه است، عبارتند از: اصل مخالفت با رژیم پهلوی، تلاش برای اثبات وجود استبداد خشن و بی‌رحم سیاسی و وابستگی به نیروهای خارجی در نظام سلطنتی ایران. گروه‌های چپ‌گرا، ملی‌گرا و اسلام‌گرا در این مسئله با هم وجه اشتراک دارند. به طور مثال کتاب قیام افسران خراسان ابوالحسن تفرشیان، خاطرات نورالدین کیانوری و کتاب تاریخ سی ساله بیژن جزنی از چپ‌گرایان و یا کتاب تاریخ ۲۵ ساله سرهنگ غلامرضا نجاتی و کتاب انقلاب ایران در دو حرکت مهندس بازرگان از ملی‌گرایان و یا کتاب بررسی و تحلیلی بر نهضت امام خمینی حمید روحانی و تاریخ سیاسی معاصر سید جلال الدین مدنی از اسلام‌گرایان را مطالعه کنید به این نکته پی می‌برید که همه این کتاب‌ها در اینکه با رژیم پهلوی باید مبارزه بشود و استبداد سلطنتی در ایران وجود دارد اتفاق نظر دارند.

۲. خود فراتر بینی و تلاش برای اثبات نقش برتر

این دسته نویسندگان تلاش دارند از خودشان و هم‌زمان هم‌فکر خود چهره فعال‌تری نشان دهند و این تلاش برای مبارزه را در آثار همه آن‌ها مشاهده

این توجه در بحث تاریخ‌نگاری نیز متأسفانه به همین صورت اعمال شده است. حماسه‌سازی در حادثه سیاهکل توسط گروه‌های سازمان نظامی حزب توده و کلاً کسانی که در جریان انقلاب اعدام شدند به همین صورت در مورد آن‌ها مقداری بزرگ‌نمایی و حماسه‌سازی شده است که البته به نظر ما در فضای سیاسی آن زمان و حتی بعد تا حدود زیادی طبیعی و عادی است.

ضعف اسلام‌گرایان در حماسه‌سازی

در مورد حماسه‌سازی نکته قابل ذکر این است که در بین این سه گروه، گروه اسلام‌گرا از دو دسته دیگر بسیار کمرنگ‌تر و ضعیف‌تر عمل کرده‌اند. چون به عنوان مقایسه، آن قدر که راجع به خسرو روزبه تبلیغ صورت گرفته، راجع به سید علی‌اندروزگو این‌گونه نبوده است و یا در مورد کسانی چون آیت‌الله سعیدی و آیت‌الله غفاری و کلیه رهبران مبارزات سیاسی به طور کلی نوشتند: آقایان در برخورد با رژیم پهلوی به شهادت رسیدند. اما در عوض هوشنگ پیمانی - چپ‌گرای یهودی متهم به جاسوسی برای روسیه - در کتاب راز محکومیت من به اعدام، از گستردگی برخورد ساواک و از اهمیت و ویژگی‌های رفتاری و مقاومتش در برابر آنان مفصل بحث کرده است.

۱- اسلام‌گرایان

همان‌طور که در صفحات گذشته آورده‌ایم، اسلام‌گرایان یکی از گروه‌های اصلی تاریخ‌نگاری دوره معاصر هستند؛ طیفی که توانستند با اتکا به قدرت و نیروی مردمی گسترده و رهبری مرجعیت شیعی حاکمیت پهلوی را سرنگون سازند و قدرت و ساختار جدیدی را در ایران سازماندهی نمایند. بنابراین تلاش برای احیاء اسلام، با اتکاء به رهبری روحانیت و براساس اصول و باورهای دینی و اعتقاد به دینی بودن مبارزه و شهادت در راه خدا، از ویژگی‌های این جریان فکری است و بر همان سیاق که آورده‌ایم، باور داریم که هریک از جریان‌های تاریخ‌نگاری معاصر ایران دارای مختصات و ویژگی‌های خاص متمایز می‌باشد که در این فصل به اتم آن‌ها پرداخته می‌شود.

ویژگی‌های تاریخ‌نگاری اسلام‌گرایان

آثار اسلام‌گرا بر چند امر تأکید دارند و نقطه مشترک بین این آثار است که شامل موارد زیر می‌شوند:

اول: اسلام به عنوان راه حل مبارزه؛ دوم: رهبری مرجعیت و روحانیت؛ سوم: استبداد و استعمار ستیزی؛ چهارم: اسلام به عنوان راه حل اداره کشور؛ پنجم: مردم‌گرایی عمومی؛ ششم: مسجدمحوری.

تاریخ‌نگاری ملی‌گرایان

با توجه به اینکه تاریخ‌نگاری ملی‌گرایان یکی از محورهای اصلی حوزه تاریخ‌نگاری مخالفان پهلوی در دوره معاصر است بر همین اساس با اعتنا به ویژگی‌های مهم آن به بحث می‌پردازیم.

ویژگی‌های تاریخ‌نگاری ملی‌گرایان

ملی‌گرایان به عنوان نخله‌ای از تفکر قدیمی ایرانی شعوبه و با بن‌مایه‌های معرفتی جنبش شعوبی در ایران در دوره‌های مختلف تاریخ ایران، شکل‌های متفاوتی داشته است. این جریان در دوره اخیر با تفکر سکولار همراه شد و البته

می‌کنید. به طور مثال وقتی شخصی چپ‌گرا از نوع فدائیان خلق، می‌خواهد در رابطه با وقایع صورت گرفته در منطقه سیاهکل توضیح بدهد آنچه نوشته بیشتر از آن چیزی است که اتفاق افتاده است و یا چپ‌گرایی توده‌ای عضو سازمان نظامی حزب توده زمانی که راجع به خاطرات افسران خراسان توضیح می‌دهد، فوق‌العاده موشکافانه ظرایف اطراف قصه را مورد بررسی قرار می‌دهد. این خصوصیت در ادبیات ملی‌گرایان و اسلام‌گرایان نیز مشهود است، همچون: تاریخ بیست و پنج ساله سرهنگ نجاتی، آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها اثر ابراهیم یزدی و همچنین بررسی و تحلیلی بر نهضت امام خمینی سید حمید روحانی و نهضت روحانیون علی‌دوانی از این ویژگی مشترک برخوردارند. در این قسمت در پصد نفی و اثبات نیستیم و قضاوت نمی‌کنیم، اما این بحث در میان همه آثار به صورت قدر مشترک وجود دارد.

۳. تلاش برای اثبات پیشگامی در مبارزه

نکته دیگری که هر سه گروه به آن اهتمام دارند، بحث اثبات پیشگامی در مبارزه علیه رژیم پهلوی است. هر سه این مجموعه‌ها می‌خواهند پیشگام بودن خود را به اثبات برسانند و این بحث آن قدر جدی است که جزو بحث‌های مهم بین سران و رهبران گروه‌ها در طیف‌های مختلف بوده است. در سال‌های اول انقلاب، ملی‌گراها به شدت در مورد هر چیزی که می‌خواستند صحبت کنند، دم از آن می‌زدند که نهضت ما از جنبش ملی شدن صنعت نفت آغاز شده و اصرار و تأکید زیادی بر روی این قضیه داشتند، تا حضرت امام خمینی یک روز در فیضیه به این مسئله که ملی‌گراها به وجود آورده بودند پاسخ می‌دهد که قیام ما هیچ ربطی به موضوعی که آن‌ها مطرح می‌کنند، یعنی جنبش ملی شدن صنعت نفت ندارد و این قیام از واقعه ۱۵ خرداد شروع و توسط مرجعیت هدایت می‌شده است.

۴. حماسه‌سازی از مبارزات صورت گرفته

نکته دیگری که در آثار مخالفان رژیم پهلوی به صورت امر مشترک قابل توجه است، بحث حماسه‌سازی از مبارزات خودشان است. همه این مبارزان به نوعی توجه دارند، از مبارزهای که انجام داده‌اند یک نوع حماسه بر جای بگذارند. این روال در جریان تاریخ‌نگاری نیز قابل مشاهده است. با مطالعه خاطرات احمد احمد، علی اکبر محتشمی، مرتضی الویری و هادی غفاری در می‌یابیم این افراد علاقه زیادی به بر جای گذاشتن حماسه از مبارزات خودشان دارند. درواقع تلاش برای باقی گذاشتن تاریخچه‌ای حماسه‌ای در میان مبارزان، امری ذاتی و منطقی است. به طور مثال با مطالعه خاطرات کیانوری در می‌یابیم که وی چقدر تلاش و کوشش می‌کند تا هوشمندی خاص خودش را در سیاست کشور به نوعی به اطلاع همه برساند؛ ضمناً که خود را در دادن اطلاعات و تهیه اسلحه برای مبارزان و مخالفان رژیم پهلوی، یک چهره شاخص و غیر قابل انکار نشان می‌دهد.

آقای کاتوزیان بخشی از کتاب اقتصاد سیاسی را به خلیل ملکی، اختصاص داده است. ایشان می‌گوید: وقتی که قرار است خلیل ملکی دستگیر شود در همین موقع خواهر خلیل ملکی می‌آید جلو و خود را در معرض خطر قرار می‌دهد، تا به نحوی مانع از این کار شود. روضه سرایی کاتوزیان درباره برخورد خواهر خلیل ملکی و نیروهای ساواک آن قدر عجیب است که حتی به ادبیات تمجیدی پهلوی‌ها و یا داستان سرایی‌های مداحانه تنه می‌زند و آن قدر که آقای کاتوزیان برای قهرمان‌نمایی خواهر آقای ملکی اصرار دارد در کمتر نوشته‌ای می‌توان چنین ادبیاتی یافت.

از این موارد در آثار ملی‌گرایان، فراوان به چشم می‌خورد. برخورد ساواک با مرحوم دکتر فاطمی و خواهر ایشان از این دست موضوعات است.

رشد ناسیونالیسم جدید و مدرن آن را به طور جدی تحت تأثیر و پوشش قرار داد و با پدیده‌های سیاسی معاصر ایران همراه شده و در جنبش ملی شدن صنعت نفت به شکل‌های مختلف و نهایتاً سازمان دهی نیروهای ملی‌گرا ظهور کرد. ملی‌گرایان دارای ویژگی‌ها و مختصات خاص خود در حوزه تاریخ‌نگاری و نگرش بر اوضاع و احوال پیرامون و حوادث تاریخی هستند که عبارتند از: ۱. برتری ایدئولوژی ناسیونالیستی بر اسلام؛ ۲. رهبری اسطوره‌ای و خطاناپذیر دکتر محمد مصدق؛ ۳. روحانیت سنتزی تاریخی.

تاریخ‌نگاری چپ‌گرایان

چپ‌گراها مجموعه در خور توجهی از مخالفان رژیم پهلوی بودند. توده‌ای‌ها و سازمان چریک‌های فدایی خلق همراه با گروه‌های سیاسی دیگری که در این دوره به مبارزه با رژیم پهلوی پرداختند، در مواردی به جنگ مسلحانه مختصر وارد شدند و یا در خارج از ایران مبارزه سیاسی انجام دادند. اینان بعد از انقلاب به بیان یادمانده‌های خودشان و بحث و پژوهش راجع به آن دوران پرداختند. آن‌ها چند طیف جدی بودند. نیروهای مبارزه جو، توده‌ای‌ها و چریک‌های فدایی خلق با مدل دانشگاهی آن و نیروهای کنفدراسیونی که در خارج از ایران فعال بودند، آثار متعددی نوشتند. از خاطرات ایرج اسکندری، نورالدین کیانوری، احسان طبری که بعضی‌ها بریده‌های این دوره از مارکسیست هستند و بعضی‌ها هم نیستند و در رسانه‌های خارج از ایران دیدگاهشان را طرح کردند. فردی مثل علی اصغر احسانی قیام افسران را همراه با تجلیل نوشته است. اما اشخاصی نیز مثل احمد شفاهی قیام افسران خراسان را همراه تحلیل نوشت. ولی واقعیت این است که همه این‌ها براساس مبانی و دیدگاه‌هایی که قبول داشتند به تجزیه و تحلیل پرداختند. یکی از اولین کتاب‌هایی که از چپ‌ها راجع به تاریخ معاصر داریم و شاید جدی‌ترین آن‌ها باشد و مربوط به قبل از انقلاب است کتاب، «تاریخ سی ساله» بیژن جزنی است که در زمان مبارزه‌اش نوشته بود؛ این کتاب قبل و بعد از انقلاب در ایران منتشر شد و به عنوان یک اثر جدی با نگاه چپ مورد توجه قرار گرفت. آثار دیگری هم از نیروهای چپ مثل «مبارزه مسلحانه: هم تاکتیک هم استراتژی» مسعود احمدزاده، آثار متعددی در مورد خسرو روزبه یا خسرو گل سرخی یا محاکمه افسران حزب توده به چاپ رسیده است. همچنین آثاری درباره حزب توده در قبل و بعد از انقلاب نوشته شد نظیر کتاب «حزب توده» سرهنگ علی زیبایی افسر بازجوی فرمانداری نظامی، و کتاب «سیاست و سازمان حزب توده» از مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی هم از جمله کتاب‌هایی است که بعد از انقلاب در این زمینه به چاپ رسیده است. کتاب‌هایی هم محققان خارجی چاپ کردند؛ مثل کتاب «شورشیان آرمان خواه» اثر مازیار بهروز. از جمله

کتاب‌هایی که از خود نیروهای چپ در خور توجه هست. کتاب «سازمان نظامی حزب توده» از آقای خسرو پناه است. کتاب‌هایی هم نیروهای کنفدراسیون خارج از ایران منتشر کردند. اخیراً آقای محمدعلی عمویی تلاش گسترده‌ای را در داخل ایران شروع کرده و آثار زیادی از نیروهای چپ را منتشر کرده است. خاطرات وی از آن جمله است. در شرایط فعلی یکی از سوره‌های مهم نیروهای چپ در ایران «چه گوارا» است. او چهره چپ‌گرا و مارکسیست انقلابی است و تقریباً برای همه طیف‌های جهان سومی مطلوبیت و محبوبیت دارد و الگوی بسیاری از مبارزان سیاسی جهان سوم هم است. نکته جالب اینکه اخیراً لیبرال‌ها و هالیوود هم متوجه چه گوارا شده‌اند و تلاش دارند از چه گوارا انقلابی چپ که توسط نیروهای لیبرال سرمایه داری کشته شد سمبلی برای آزادی لیبرالی و سرمایه‌داری بسازند. خاطرات مهمی چون خاطرات ایرج اسکندری، نورالدین کیانوری، خاطرات مریم فیروز، اردشیر آوانسیان و مجموعه گسترده‌ای از خاطرات و مطالعات نیروهای چپ در این باره است.

تاریخ‌نگاری دانشگاهی و محققان خارجی

در طیف دیگر محققان خارجی را داریم. یکی طیف محققان اروپایی و آمریکایی هستند که در جریان انقلاب و بعد از آن در مورد تاریخ و حوادث این دوره به بحث و بررسی پرداختند که شاهد آثار متعددی هستیم.

ویژگی مهم تاریخ‌نگاری محققان خارجی

این دسته از آثار، جزو بهترین فرصت‌های مطالعاتی برای ماست؛ چون بعضاً محققانی بدون توجه به اغراض سیاسی و بعضی هم با توجه به اغراض سیاسی به تجزیه و تحلیل؛ پرداخته‌اند. آن‌هایی که کمتر غرض داشتند و حداقل منافع خاصی نداشتند، مثل میشل فوکو، نگاه‌های نزدیکی داشتند؛ اما آن‌هایی که به خاطر منافع ملی کشور خودشان به پدیده نگاه کرده‌اند باز هم نتایج خوبی گرفتند، مثل ایرانی‌ها چه رویایی در سر دارند میشل فوکو، شیرو عقاب جیمز بیل، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری فرد هالییدی، ایران سراب قدرت رابرت گراهام و ناسیونالیسم ایرانی ریچارد کاتنم، تشیع، مقاومت و انقلاب‌مارتین کرامر، ریشه‌های انقلاب ایران: نیکی کدی، انقلاب ایران: تداوم اسکاچ پل و ایران روایتی ناگفته حسین هیکل، آثار بسیار با ارزشی است که توسط این طیف نوشته شده است و بعضاً با توجه به منافع کشور خودشان نوشته‌اند.

محققان خارجی حامی انقلاب اسلامی

طیف دیگری هم داریم که محققان خارجی مدافع انقلاب اسلامی هستند، اشخاصی مثل مرحوم دکتر کلیم صدیقی، فتحی شقاقی، علی عزت بگوویچ، راشد

ویژگی‌های تاریخ‌نگاری اسلام‌گرایان، شامل موارد

زیر می‌شوند:

- اول: اسلام به عنوان راه حل مبارزه؛ دوم: رهبری مرجعیت و روحانیت؛ سوم: استبداد و استعمار
- سنتزی؛ چهارم: اسلام به عنوان راه حل اداره کشور؛
- پنجم: مردم‌گرایی عمومی؛ ششم: مسجدمحوری.

انقلاب اسلام

انقلاب اسلام

اصلی‌ترین کاری که در مطالعه تاریخ انقلاب باید انجام شود آن است که امام و شاه به‌عنوان دو محور اصلی این دوره باید شناخته شوند. دو کانون قدرت در ایران، یکی سلطنت و دیگری مرجعیت بوده است، تعاملات این کانون‌ها را باید شناخت

می‌شود که از اواسط دوره اصلاحات پا به عرصه وجود گذاشت. مؤلفه اول این تاریخ‌نگاری، بستر فکری و تئوریک مورخان است. مؤلفه دوم؛ دیدگاه‌ها و نگرش‌های این دسته از آقایان و مؤلفه سوم؛ سبک و سیاق آن‌هاست. این دسته از نویسندگان به لحاظ بستر فکری و محیطی که از آن آمدند، عمدتاً اسلام‌گرا بودند؛ مثلاً آقایان: عمادالدین باقی، ماشاء الله شمس الواعظین، سعید حجاریان و حمیدرضا جلالی پور زمانی منسوب به نیروهای اسلام‌گرا بودند. به لحاظ تفکر و دیدگاه به طیف ملی‌گرا و به لحاظ سبک و روش به طیف تجاری‌نویسان و مسعود بهنود نزدیک شدند. لذا این مجموعه، طیف به خصوصی در تاریخ‌نگاری معاصر هستند. در بین این دوستان، بازگشت و رویگردانی از یک سری مبانی را می‌بینید. عمادالدین باقی با نگرارش «در شناخت حزب قاعدین» انجمن حجتیه را شدیداً منکوب کرد، اما بعد از حوادث دوم خرداد، به تجلیل از مرحوم حلبی پرداخته و تمام آنچه در گذشته آورده است را به نوعی بی می‌گیرد. و یا کتاب کاوشی پیراهون روحانیت او آن قدر در مورد روحانیون غیرسیاسی، افراطی و همراه با عصبانیت است که عملاً جز چند نفر اطراف امام خمینی، کسی باقی نمی‌ماند. آنان عناصری هستند که به تاریخ‌نگاری روی می‌آورند و از آنچه قبلاً خودشان پرداخته بودند برگشتند و به ارزش‌های جدیدی روی آوردند و گفتمان آن‌ها تغییر کرد. البته در میان طیف‌هایی که بدان‌ها اشاره کردیم افراط و تفریط‌هایی وجود دارد. این طور نیست که اگر آقای الف جزء یک گروه است همه مبانی را رعایت کند. آنجا بر اساس یک توافق از پیش تنظیم شده نیست، بلکه نیروهایی که هر کدام متصل به جریانی بودند، هر کدام براساس نگرش‌هایی که باور داشتند دست به تاریخ‌نگاری زدند. ممکن است تفاوت‌هایی هم داشته باشند.

راهی برای پژوهش

در این میان باید گوشه چشمی به این بحث داشته باشیم که شناخت تاریخ بعد از انقلاب چقدر به شناخت تاریخ قبل از انقلاب کمک می‌کند و بالعکس؟ کسانی که می‌خواهند با این رویکرد تاریخی به انقلاب اسلامی به مثابه یک واقعیت اجتماعی و تاریخی در جهان معاصر بنگرند باید بدانند از چه زاویه‌ای وارد شوند و مهم‌ترین منابع و آثاری که می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد چه خواهد بود. ممکن است گفته شود برای ورود به شناخت تاریخ انقلاب اسلامی مثلاً از مقطع ۵۸ تا ۶۰ مورد مطالعه قرار گیرد و یا آنکه به عنوان سیر مطالعاتی به این معنا، شاید اولین چیزی که به نظر می‌رسد این باشد که از مشروطه شروع کنند و... ولی کسی که با این فراز و فرودها کمی آشناست مدتی را پیشنهاد می‌کنیم برای یک کتاب خوان غیرحرفه‌ای که نه به عنوان یک رشته تخصصی، بلکه به عنوان یک ضرورت

الغنوشی، حامد الگار و بسیاری از مؤسسات که در جاهای مختلف دنیا راجع به انقلاب اسلامی بحث و بررسی کردند، کتاب منتشر نمودند و اتفاقاً به خاطر نوشتن این آثار در تنگنای زیادی قرار گرفتند؛ مثلاً مرحوم علی عزت بگوویچ به خاطر نوشتن کتاب درباره انقلاب اسلامی و امام خمینی پنج سال زندانی بود. این دسته از نویسندگان به بررسی پدیده‌ای که از نظر آنان یکی از بزرگ‌ترین حوادث قرن معاصر بوده است و تأثیر مهمی در سرنوشت مسلمانان جهان خواهد داشت مورد توجه قرار داده‌اند. این نویسندگان غالباً در کشورهای خود از شخصیت‌های مشهور و شناخته شده در عرصه بین‌المللی بوده‌اند که خود رهبری حوادث مهمی را بر عهده گرفتند.

تاریخ‌نگاری دانشگاهی داخلی

طیف دیگر تاریخ‌نگاری دانشگاهی است. متأسفانه یکی از نکته‌های درخور توجه که انقلاب هم بدان توجه نکرده، بحث تاریخ‌نگاری دانشگاهی است. در دانشگاه‌ها در خصوص دوره معاصر، کسانی برای تاریخ دانشجو می‌گویند و راهنمای او هستند که به لحاظ نگرش و دیدگاه، بسیاری از آن‌ها حداقل با اندیشه انقلاب اسلامی هماهنگ نیستند یا اینکه حداقل آثار و منابع نیروهای اسلام‌گرا را شعاری می‌دانند و همیشه به آن چیزی توجه دارند که خارج از ایران چاپ شده است. الان در مراکز دانشگاهی، به لحاظ نگرشی تاریخ دوره معاصر عمدتاً در اختیار طیف ملی‌گرا است و جالب‌تر اینکه این آقایان وقتی خودشان نگاه ملی‌گرایانه دارند، منابعی که به عنوان متن درسی معرفی می‌کردند عمدتاً از منابع چپ بوده و نگاه اسلام‌گرایان را نادیده می‌گیرند. در نگاه دانشگاهیان، اصل بر ندیدن واقعیت انقلاب در ایران است. چون ادعایی مطرح است که چون این پدیده هنوز تاریخی نشده و زمان نگذشته و هنوز اسناد آن منتشر نشده، نمی‌توانیم راجع به آن قضاوت کنیم. جالب اینکه راجع به مسائل پیرامونی آن قضاوت می‌کنند، اما خود انقلاب را نمی‌خواهند ببینند. یک بی‌طرفی آگاهانه را در تاریخ‌نگاری دانشگاهی داریم که عمدتاً حکایت از این دارد که در دانشگاه خصوصاً در دوره‌های تخصصی، پدیده انقلاب اسلامی خیلی مورد اعتنای جدی واقع نمی‌شود. اگر هم احیاناً بعضی اساتید توجه می‌کنند، طبق باورها و علایق خاص خودشان است.

ویژگی‌های این جریان:

۱- تاکید نگرش‌های ملی‌گرایان و حاکمیت اندیشه ملی‌گرایان؛ ۲- بهره‌برداری از روش‌های پوزیتویستی؛ ۳- تأثیر اندیشه چپ مانند گذشته چراغ راه آینده، میراث بین دو انقلاب؛ ۴- تلاش برای حفظ سیطره گرایش ملی‌گرا

تاریخ‌نگاری روشنفکری

بحث تاریخ‌نگاری روشنفکری هم به عنوان یک جریان جدید شناخته

فرهنگی و ملی انقلاب خودش را بشناسد از چه زوایایی باید وارد شود و چه سیری را طی کند که به برداشت عمیق تری از انقلاب اسلامی برسد و قاعداً او را هدایت خواهد کرد که چشم انداز آینده انقلاب را هم بهتر بفهمد.

برای مطالعه انقلاب اسلامی معتقدیم بهترین منبع، خود امام است. تنها پدیده مهم تاریخی که خیلی مورد اعتنای واقعی قرار نگرفت شخص حضرت امام خمینی بود. آثار تاریخی که از امام بر جای مانده و حوادث و اتفاقاتی که صورت گرفته به عنوان مجموعه گفت و گوهای امام آورده شده است. اما به این قصه نگاه نشده است که مواضع تاریخی و مسیری که امام آغاز کرد و ادامه داد، چه بوده است. مثلاً کتاب درسی انقلاب اسلامی و کتابهای مختلفی که درباره تاریخ معاصر به نگارش در آمده است، از ملی گراها شروع و بعد به چپ گراها می رسند. همه مباحث که تمام شد، در آخر امام وارد قضیه می شود و یک صفحه هم درباره او می نویسند. حضور امام حتی در تاریخ نگاری نیروهای مسلمان هم

مشاهده نمی شود. علت اینکه بر منابع آمریکایی ها چه محققان و چه دولتی ها تأکید دارم این است که امام خمینی نقش اول در مبارزات را دارد و نقش امام در میدان واقعی مبارزات و تصمیم گیری ها مشخص است؛ چون طرف آمریکایی برای فهم شکست توضیح می دهد: آن کسی که با او طرف بودیم یک شخصیت برجسته و توانمندی بود که همه مسائلی را که مطرح می کردیم خوب می فهمید و همیشه چند گام از سیاست های آمریکا جلوتر بوده است. ولی خودی ها هنوز به این باور عمیق نرسیده اند. یعنی هنوز در ایران باور نکرده ایم که یکی از اصلی ترین خاکریزهای فتح ناشدنی، مبارزه مسالمت آمیز امام خمینی بوده است. خیلی ها اصرار داشتند که از خاکریز امام خمینی عبور کنند و نیروهای مخالف رژیم پهلوی در کشور وارد جنگ مسلحانه با رژیم پهلوی شوند، ولی امام کوچک ترین حرکت مسلحانه را مجاز ندانسته و اجازه ندادند. تقریباً تمام رهبران سیاسی داخل کشور به این نتیجه رسیده بودند، تحقیق کنید آن هایی که از طرف سازمان مجاهدین خلق پیش امام رفتند از چه کسانی تأییدیه داشتند! تقریباً از همه آقایان اجازه گرفته بودند که مبارزه مسلحانه را آغاز کنند؛ اما امام اجازه نداد. حتی کسانی که در دوره های بعد آمدند شعار دادند که «تنها رهایی جنگ مسلحانه است» و اتفاقاً بسیاری می خواستند نیروهای مخالف را در این مسیر سازمان دهی کنند. ولی امام به صورت یک مانع و خاکریز بسیار مهم و حساس جلوی همه آنان ایستاد و هیچ کس هم نتوانست خاکریز امام را فتح کند. باید به این واقعیت تاریخی برگردیم و امام را بیشتر بشناسیم. مؤسسه نشر و تنظیم، کارهای خوبی انجام داده اما به نظر می رسد هرگز این کارها در شأن و حد امام خمینی نیست. خود آقایان هم نتوانستند به امام خمینی نزدیک شوند، حتی به لحاظ مبانی توزیع هم نتوانستند نزدیک شوند. آن افقی که او از ابتدا دید و توانست جامعه را در آن مسیر پیش ببرد، برای خیلی ها حل نشد. مطمئناً اصلی ترین کاری که در مطالعه تاریخ انقلاب باید انجام شود آن است که امام و شاه به عنوان دو محور اصلی این دوره باید شناخته شوند. دو کانون قدرت در ایران، یکی سلطنت و دیگری مرجعیت بوده است، تعاملات این کانون ها را باید شناخت. متأسفانه به هیچ وجه به این دو پدیده توجه نمی شود، مثلاً صدا و سیما اگره دارد که سخنرانی شاه را پخش کند. چه اتفاقی می افتد؟ نه تنها اتفاقی نمی افتد، بلکه جوان امروز می فهمد چه کسی بر این کشور حکومت می کرده و چه ادبیاتی داشته است. به این دو محور اصلی باید توجه شود. در روش مطالعه یکی از اصلی ترین چیزهایی که باید مورد توجه قرار بگیرد آن است که بدانیم آن چه می خوانیم از آن کیست و چه کسی این سخن

را می گوید. شاید دوستان بگویند که تاریخ نگار بی طرف است. اما باید گفت بی طرفی تاریخ نگار یک شوخی و آرزوست. هیچ مورخی نیست که بی طرف باشد جز آنکه بی طرفی او یک موضع خاص باشد. چون بی طرفی چند حالت دارد. یک وقت خود بی طرفی موضع است. موقعی که جشن های ۲۵۰۰ ساله در کشور برگزار می شد، اصلاً طراح و مجری اسرائیلی ها بودند آن ها پیشنهاد را دادند و بعد به انجام رساندند. جالب اینکه تنها کشوری که به این جشن دعوت نشده بود اسرائیلی ها بودند، مجله اسرائیلی ها عزه لام می گوید: رابطه ما با شاه مثل رابطه عاشق و معشوقی است که از زبان هانریخ لایکه شاعر آلمانی آمده، او در شعرش می گوید: به معشوقم گفتم از آن طرف خیابان برو آن طرف بلوار. من این طرف و تو آن طرف، کسی ما را با هم نبیند که در دوستی ما خدشه ای وارد کند. رابطه ما با شاه به این شکل است. گاهی این بی طرفی ها هوشمندانه است؛ بنابراین موضع بی طرف نداریم.

دیگر آنکه باید به سراغ منابع اساسی تر این دوره رفت؛ به نظر می رسد برای شناخت تاریخ انقلاب، یکی از منابع بسیار مهم مجموعه سخنرانی های امام به نام «کوثر» است، این مجموعه واقعیت تاریخی این دوره را کاملاً معرفی می کند. مجموعه کوثر ما را خیلی با قضایا آشنا می کند. نکته دیگری که می تواند مورد توجه باشد خواندن کتاب های جدی تر است. اصلاً توصیه نمی شود فقط کتب اسلام گرایان را مورد مطالعه قرار دهیم، کتاب های ملی گرا و چپ گرا هم آثار ارزشمندی دارد. منتهی باید کتاب های اساسی تر را خواند و به نگاه مربوط به کتاب هم توجه شود. در بین کتاب های محققان خارجی، کتاب های فوکو، ایرانی ها چه رویایی در سر دارند، شیر و عقاب جیمزبیل، دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری فرد هالیدی و ایران سراب قدرت رابرت گراهام کتاب های ارزشمندی است؛ ضمن اینکه بستگی دارد که سیر مطالعاتی را از کجا به کجا بخواهیم پی گیری کنیم. گاهی ممکن است از شهریور ۱۳۲۰ شروع کنیم. در این میان کتاب های رسول جعفریان همچون «جنبش ها و جریان های مذهبی» بسیار با ارزش است؛ «تاریخ معاصر» موسی نجفی و موسی حقانی هم خوب است، مجموعه «روز شمار انقلاب اسلامی» هم ارزشمند است. تاریخ سیاسی معاصر از دیدگاه امام خمینی مؤسسه نشر هم از کتب ارزشمند است. در بین خاطرات، خاطرات احمد احمد، خانم دباغ، آقای فلسفی، علی دوانی و از طیف نیروهای چپ گرا خاطرات کیانوری و ایرج اسکندری و در نقد و ارزیابی چپ گرایان، کتاب «سازمان و سیاست حزب توده»، کتاب «شورشیان آرمانخواه» مازیار بهروز و در بین نویسندگان ملی گرا هم کتاب «تاریخ ۲۵ ساله»، خاطرات مهندس بازرگان تحت عنوان «انقلاب ایران در دو حرکت» و «شصت سال خدمت» هم جزو کارهای خوب این گروه است. «خاطرات فردوست» و «از کاخ شاه تا زندان اوین» احسان نراقی، خاطرات احمد علی مسعود انصاری، کتاب «خون و نفت» فرمانفرمائیان، خاطرات مینو صمیمی تحت عنوان «پشت پرده تخت طاووس» هم از جمله کتب ارزشمند است. در بین کتاب هایی طرفدار پهلوی، «خاطرات اشرف»، «مأموریت برای وطنم» و «پاسخ به تاریخ» محمد رضا پهلوی، خاطرات علی امینی، جهانگیر تقضلی به علاوه عبدالمجید مجیدی، در خور توجه هستند. اما نکته مهم اینکه دوستان اصلاً ذهنیت خود را با تجاری نویسان نبینند، چرا که این کتابها فقط به درد آشنایی اولیه می خورد. برای کسی که فقط می خواهد با خواندن آشتی کند کتاب های خوبی است، اما به عنوان منبع ذهنی و فکری به هیچ وجه توصیه نمی شود.

* منابع این مقاله به علت حجم زیاد در این صفحات درج نشد. در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با دفتر نشریه تماس بگیرید.